



این مقاله به سفارش موسسه دموکراسی و توسعه افغانستان و انستیتوت دیجیتالی جامعه مدنی آزاد، کار شده است.

## بررسی وضعیت زندانیان و بازداشت‌ها تحت حاکمیت طالبان

نگارنده: ضیا آریا

### چکیده

طالبان گروهی است که از طریق انتحار و اعمال خشونت در افغانستان به قدرت رسیده است. تمام قوانینی را که در زمان جمهوری تدوین شده بود به شمول اداره سارنوالی لغو کرده است. اکنون، محکمه‌های طالبان در فقدان قوانینی که مبتنی بر اراده آزاد شهروندان باشد جریان دارد. در تمام دعوی‌ها، مخصوصاً در قضایای جنایی، قانون نقش ندارد؛ بل، طالبان خواست و اراده‌شان را از طریق زور و تهدید بالای متهمان تطبیق می‌کند. این وضعیت، نشان می‌دهد که حقوق بشری افراد تحت بازداشت طالبان نقض می‌شود. بیشتر افرادی که متهم به قضایای جنایی اند و یا به دلایل سیاسی تحت بازداشت طالبان قرار گرفته اند، از شکنجه، توهین و تحقیر طالبان شکایت دارند. در بعضی موارد طالبان از افراد بازداشت‌شده، اخاذی‌های غیرقانونی نیز کرده‌اند. به دلیل ترس از طالبان هیچ‌کسی از بازداشت‌شده‌های که آزاد شده اند، حاضر نیستند که تجربه‌شان را شریک سازند و برخورد طالبان با توقیف شده‌ها را رسانه‌ای کنند.

### Abstract

#### Survey of detentions and prisoner's situation under dominion of Taliban

Taliban is a group that has captured the power by suicide attacks and exerting violence in Afghanistan. They have abolished all the codes and canons that were codified in the era of Islamic Republic of Afghanistan and also have canceled the Attorney General Authority. Now the Taliban's courts act in absences of codes according to free will of afghan citizens. The codes have no role in all cases especially in criminal cases, rather Taliban impose their desires and will by force and threat on the culprits. This situation displays that humanity rights of prisoners are violated under Taliban detaining. Majority of persons who are accused in criminal cases or due to political reasons are in detention of Taliban, they have complaint of torturing, insulting and humiliating by Taliban. In some occasions, Taliban have extorted illegally from detainees. Due to Taliban threats, no one of released prisoners is ready to share their experiences and speak with outlets about Taliban treating against detainees in prisons.

**واژه‌گان کلیدی:** کارکردگرایی، ساختار، نظام، کارکرد، مشروعیت، طالبان، حقوق بشر، نقض حقوق بشر، سلطه، شکنجه، قانون، صلاحیت، متهم، تهدید،

## مقدمه و بیان مسأله

این مقاله به سفارش موسسه دموکراسی و توسعه افغانستان و انستیتوت دیجیتالی جامعه مدنی آزاد، کار شده است. در این مقاله به «بررسی وضعیت زندانیان و بازداشت‌ها زیر حاکمیت طالبان» پرداخته شده است.

از (24 اسد 1400) که طالبان بر افغانستان مسلط شده اند؛ در موارد زیاد، نقض حقوق بشر توسط این گروه صورت گرفته است. یکی از این موارد، برخورد طالبان با زندانیان و بازداشت‌شده‌ها می‌باشد. افراد بازداشت‌شده توسط طالبان، شامل فعالان مدنی، روزنامه‌نگاران، نویسندگان، زنان معترض، سیاستمداران منتقد، نظامیان، کارمندان دولت جمهوری، مخالفین نظامی و افراد عادی می‌شوند. کسانی که زندان طالبان را تجربه کرده‌اند کمتر حاضر می‌شوند تجربیات‌شان را شریک سازند. این می‌تواند دلایل مختلف داشته باشد؛ اما دلیل عمده این است که این افراد از ترس طالبان حاضر نیستند در مورد برخورد طالبان در زندان‌ها سخن بگویند.

برای بررسی وضعیت زندانیان در زندان‌های طالبان، امکان رفتن محقق و پژوهش‌گر در زندان‌ها امکان‌پذیر نیست، زیرا طالبان به هیچ‌وجه اجازه نمی‌دهند. بر فرض اگر طالبان اجازه بدهند زندانیان واقعیت‌ها را نمی‌توانند بگویند. برای رسیدن به حقیقت، تنها راه این است که به افراد آزاد شده به صورت شخصی و پنهانی مراجعه شود و با حفظ محرمانه‌ت تجربیات آنان شریک شوند.

اکنون در افغانستان تمامی قوانین که در زمان جمهوری اسلامی افغانستان تصویب گردیده بود، توسط طالبان لغو شده اند. طالبان نیز هیچ‌گونه قانون مشخص در اختیار مردم افغانستان قرار نداده‌اند. البته قابل یادآوری است که طالبان مشروعیت و صلاحیت، برای تدوین و تصویب قانون را ندارد. زیرا این گروه به خواست و اراده مردم افغانستان به قدرت نرسیده است. بل، از طریق انتحار، انفجار، ترور و کشتار مردم ملکی به قدرت رسیده‌اند.

این وضعیت پیچیده و خلی قانونی، شهروندان افغانستان را دچار مشکل جدی ساخته است. افراد که توسط طالبان به جرم‌های متفاوت متهم می‌شوند؛ برای دفاع از خودشان به هیچ متن مدون و مشخص قانون دسترسی ندارند. طالبان، با استفاده از کتاب‌های حدیث و فقهی پراکنده، قضایا را فیصله می‌کنند. این فیصله‌ها بیش از آن‌که، مبتنی بر قانون و قناعت طرف‌های دعوی باشند از طریق اعمال روز و تهدید تنفیذ می‌شوند.

به‌ویژه، در قضایای جنایی، قانون هیچ‌گونه نقش ندارد. در این قضایا، طالبان کمتر به قانون مراجعه می‌کنند. بیشتر از طریق اعمال فشار و تهدید خواست‌شان را به کرسی می‌نشانند. افرادی که به دلیل اتهامات جنایی در زندان و نظارت‌خانه‌های طالبان به سر می‌برند و آنان که تجربه توقیف‌ها را دارند؛ اکثریت‌شان مورد شکنجه، توهین و تحقیر قرار گرفته‌اند.

از ابتدای سلطه طالبان، بر افغانستان یکی از نگرانی‌های جدی مردم افغانستان و نهادهای حقوق بشری این بوده که طالبان تمام موازین حقوق بشر را نقض می‌کنند. آنان در هیچ مورد اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های حقوق بشر را مراعات نمی‌کنند در حالیکه افغانستان تمام این کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌ها را تایید کرده است.

در یکی از موارد که طالبان حقوق بشر را نقض می‌کنند، برخوردشان با افراد است که در زندان‌های طالبان به سر می‌برند. در مورد نظام عدلی و قضایی طالبان، همواره در رسانه‌ها و مجامع بین‌المللی شکایت وجود دارد. نهادهای حقوق بشری، همیشه از طالبان خواسته‌اند که به نقض حقوق بشر پایان دهند. اما طالبان نقض حقوق بشر را رد می‌کنند و مدعی اند که مطابق عدالت و قوانین اسلامی با متهمان برخورد صورت می‌گیرد. خشونت را که طالبان در برابر شهروندان افغانستان و در مقابل زندانیان اعمال می‌کند بر اساس نظریه کارکردگرایی تبیین و توصیف شده است.

بر این اساس برای روشن شدن موضوع نیاز است به افرادی مراجعه شوند که تجربه بازداشت، توقیف و زندان طالبان را داشته‌اند. از این طریق می‌توان نقض حقوق بشر توسط طالبان را اثبات کرد.

## هدف تحقیق

این تحقیق در پی این است که، در مورد چگونگی رفتار طالبان با افراد که در زندان‌های این گروه در بازداشت قرار دارند توضیح ارائه کند.

## روش تحقیق

در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و روش میدانی (مصاحبه) استفاده شده است.

## مسأله تحقیق

چگونگی وضعیت زندانیان و بازداشت‌ها در حاکمیت طالبان

## فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد که؛ طالبان افراد مختلف از شهروندان افغانستان را دستگیر و در جریان دستگیری و زندان در معرض خشونت و شکنجه قرار می‌دهد.

## پرسش اصلی تحقیق

برخورد طالبان با زندانیان و بازداشت‌شده‌ها چگونه است؟

## پرسش‌های فرعی

آیا طالبان، افراد را در جریان بازداشت و حبس شکنجه می‌کنند؟

آیا طالبان، در جریان بازداشت و حبس به حقوق بشری افراد احترام دارند؟

آیا طالبان، قوانین مشخص برای بررسی پرونده‌های متهمین تهیه کرده اند؟

آیا قوانین طالبان، برای شهروندان افغانستان قابل قبول می‌باشند؟

آیا طالبان، صلاحیت به محاکمه کشتن افراد را دارند؟

## جامعه آماری

در شرایطی که افغانستان قرار دارد، اجرای تحقیق براساس فرمول‌های مشخص در علوم اجتماعی دشوار است. تا هنوز طالبان آمار مشخص از تعداد زندانیان ارائه نکرده اند و هیچ‌گاهی این آمار را بیرون نخواهند داد. در گزارش که به تاریخ (3 جدی 1401) توسط بی‌بی‌سی فارسی به نشر رسید تعداد مجموع زندانیان در سراسر کشور حدود 12500 تن اعلان شده است. از این میان 800 تن زنان و 1000 تن کودکان هستند. اما، در مورد آمار زندانیان که در اداره استخبارات طالبان زندانی اند، هیچ آمار وجود ندارد. طالبان، افراد را که از نظرشان خطرناک اند، در اداره‌های استخبارات، در مرکز و ولایات نگهداری می‌کند. بنابراین، دشوار است که جامعه آماری دقیق را در نظر گرفت. اما در این تحقیق به صورت تصادفی با 5 تن افراد که تجربه بازداشت و توقیف توسط طالبان را داشته اند؛ مصاحبه شده و همچنان نظر یک تن وکیل مدافع نیز گرفته شده است.

## مدت زمان تحقیق

از 1 تا 13 اپریل 2023

## محدودیت‌های تحقیق

- عدم آمار دقیق از تعداد افراد که در زندان‌های طالبان می‌باشند.

- عدم امنیت و مسئولیت برای محقق که بخواهد در مورد رفتار طالبان با زندانیان تحقیق نماید.

- نگاه ستیزه‌جویانه طالبان به تحقیق، طالبان هیچ‌گاهی اجازه نمی‌دهند که رفتار و برخورد خشن‌شان رسانه‌ای و افشا گردد.

- محدودیت منابع مالی به منظور مراجعه به افراد که بازداشت شده اند.

## چارچوب نظری تحقیق

بر اساس عنوان تحقیق، نیاز است که در مورد رفتار طالبان، با زندانیان پرداخته شود. رفتار طالبان را می‌توان مبتنی بر نظریات جامعه‌شناختی تحلیل و تجزیه کرد؛ در این تحقیق از نظریه کارکردگرایی مدد جسته شده است.

## نظریه کارکردگرایی

ریشه‌های تاریخی مکتب کارکردگرایی را باید در آراء آگست کنت، اصل تقدم کل بر جزء مبنی بر اینکه در بررسی کل یا جامعه اولاً باید به روابط اجزاء با یکدیگر و نیز ارتباط آن با کل و یا جامعه‌ی مورد بررسی توجه کرد؛ امیل دورکیم، مبحث تبیین کارکردی مبنی بر اینکه، یک پدیده اجتماعی چه وظایف یا کارکردی را در جامعه انجام می‌دهد و چه نیازی را مرتفع می‌سازد.

تالکوت پارسونز، مهمترین نظریه پرداز کارکردگرایی ساختاری می‌باشد؛ وی چهار تکلیف و یا کارکرد را برای سیستم و یا نظام اجتماعی در نظر می‌گیرد و به الگوی (AGIL) معروف است. قبل از اینکه به توضیح این چهار کارکرد پرداخته شود نیاز است که مفاهیمی چون؛ نظام، ساخت و کارکرد روشن گردد.

**نظام:** سیستم یا نظام به مجموعه و یا شبکه‌ی که دارای روابط متقابل (تعامل) باشند؛ اطلاق می‌شود. به عنوان نمونه؛ بدن ما، سیستم و یا نظامی است که دارای اجزاء مختلفی می‌باشد و هر کدام از این اجزاء کاری انجام می‌دهند؛ علاوه‌براین، با اجزاء دیگر روابط متقابل (تعامل) دارند. همچنین، جامعه یک سیستم و نظامی می‌باشد که از اجزاء گوناگونی همچون خرده نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تشکیل شده است که هر کدام از این اجزاء در عین اینکه کارکرد (وظیفه‌ی) را در جامعه انجام می‌دهد با سایر اجزاء برای رسیدن به تعادل در رابطه هستند. بنابراین سیستم و یا نظام شبکه‌ی از اجزاء مختلف می‌باشد.

**ساخت:** ساخت به معنای تعادل میان اجزاء، کنش متقابل الگومند (پایدار و تکرار شونده)، کنش متقابل اجتماعی الگومند (پایدار و تکرار شونده)، روابط متقابل (تعامل) پایدار و تکرار شونده می‌باشد.

**کارکرد:** کارکرد در جامعه‌شناسی دارای چهار معنا است:

اول؛ به معنای پایگاه، مقام، شغل و حرفه به کار رفته است. مثلاً، می‌گوییم فلان شخص کارکرد یا فونکسیون‌های مختلف در فلان موسسه و نهاد دارد.

دوم؛ کارکرد به مجموعه وظایف، تکالیف و مسئولیت‌های اطلاق می‌شود که شخص در یک سازمان دارد. می‌توان گفت؛ وظایف و مسئولیت‌های یک گروه اجتماعی در ساختار کلی جامعه. مثلاً، کارکرد طالبان به عنوان یک گروه در ساختار کلی جامعه افغانستان، اعمال خشونت و زن‌ستیزی است.

سوم؛ کارکرد از علم ریاضی وارد جامعه‌شناسی شده است و به معنای تابع می‌باشد. مثلاً، بهره هوشی و موقعیت تحصیلی شاگردان تابع پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده است. همچنان می‌توان گفت محبوبیت افراد طالبان در نزد رهبری‌شان تابع میزان خشونت است که این افراد در برابر شهروندان افغانستان به نمایش می‌گذارند. مثلاً، مولوی محمد ندیم به دلیلی در نزد ملاهبت الله محبوب است که مخالف آموزش دختران می‌باشد.

چهارم؛ کارکرد از زیست‌شناسی وارد جامعه‌شناسی شده است. مثلاً، در زیست‌شناسی کارکرد کلیه مشخص است و در جامعه‌شناسی نیز می‌توان کارکرد خانواده را مطالعه و سهم آن را در سازمان، ثبات و فعالیت جامعه روشن کرد (گی روشه، 1375: ص 127).

بر اساس این نظریه، در مورد طالبان نیز می‌توان گفت؛ یکی از کارکردهای طالبان اعمال خشونت است. اگر طالبان خشونت و ستیزه‌جویی نکنند به این معنا است که دچار سوء کارکرد شده است، هر پدیده و گروه اجتماعی که دچار سوء کارکرد شود بقاء ندارد.

## چهار تکلیف یا کارکرد سیستم یا نظام

1 – انطباق، تطبیق پذیری (Adaptation): هر سیستم و یا نظامی برای بقاء خود، از یک سو باید خود را با محیط (طبیعی و اجتماعی) انطباق دهد و از سوی دیگر؛ محیط را متناسب با نیازهایش هماهنگ سازد. ارگانسیم رفتاری و اقتصاد به ترتیب برای موجود زنده و ارگانیسم اجتماعی این کارکرد را انجام می دهند.

طالبان، به عنوان یک سیستم و نظام که اکنون در افغانستان حاکم شده، در تلاش این نیستند که خود را با جامعه و افکار عمومی هماهنگ و براساس خواست مردم رفتار کنند. برعکس، آنان در تلاش اند که محیط اجتماعی و کنش شهروندان را مطابق به خواست طالبان مهندسی کنند. روش را که طالبان برای مهندسی اجتماعی به پیش گرفته، اعمال خشونت و مجازات در برابر شهروندان افغانستان می باشد، زیرا آنان بدیلی برای خشونت‌ورزی ندارند.

2 – دست یابی به هدف (Goal attainment): هر سیستم برای بقاء خود، نیازمند به در نظر گرفتن اهدافی است و برای این منظور ابزار و وسایل مورد نیاز را برای دست‌یابی به آن اهداف تدارک می‌بیند. نظام شخصیت (متشکل از نیازهای ارگانسیم رفتاری و انتظارات نهادینه شده اجتماعی) و سیاست به ترتیب برای ارگانسیم رفتاری و ارگانسیم اجتماعی این کارکرد را انجام می‌دهند.

هدف طالبان این است که سلطه قومی و مذهبی را در افغانستان تحکیم بخشد. از طریق تندروی و برخورد خشن با شهروندان می‌خواهند این سلطه را نهادینه سازند.

3 – یکپارچگی (Integration): هر سیستم برای بقاء خود، نیازمند تعادل و یکپارچگی می‌باشد و برای این منظور از مکانیسم‌های کنترل بهره می‌گیرد. نظام اجتماعی، اجتماع جامعه‌ای و یا عرف اجتماعی به ترتیب برای ارگانسیم رفتاری و ارگانسیم اجتماعی این کارکرد را انجام می‌دهند.

4 – حفظ و نگهداشت الگو (Latency): هر سیستم برای بقاء خود، نیازمند حفظ و نگهداشت الگو می‌باشد. نظام فرهنگی، نظام اعتقادی و یا نظام جامعه‌پذیری به ترتیب برای ارگانسیم رفتاری و ارگانسیم اجتماعی این کارکرد را انجام می‌دهند (جورج ریتزر، 1384: ص 323).

طالبان، از ابتدای ظهورشان تا هنوز با خشونت برخورد کرده‌اند. طالبان برای خشونت ورزی دو الگو دارد. اول اینکه، خشونت برای طالبان تبدیل به یک فرهنگ شده و این فرهنگ برای طالبان دست‌آوردی زیادی را داشته است. به صورت نمونه سلطه فعلی طالبان محصول خشونت‌گری آنان می‌باشد. الگوی دوم طالبان، بر می‌گردد به آموزه‌های مذهبی و دینی، که در این قسمت الگوهای آنان شخصیت‌های تاریخی صدر اسلام است. برای اثبات این ادعا، می‌توان به نام‌گذاری‌های نظامی طالبان مراجعه کرد. طالبان قطعات نظامی و قول‌اروها را با نام‌های که ریشه در صدر اسلام دارند نام‌گذاری کرده است. به‌گونه نمونه، قول‌اردوی البدر، قول‌اردوی الفاروق و کاروان عمری.

از نگاه کارکردگرایی، هر پدیده اجتماعی دارای کارکرد و وظیفه مشخص است. این پدیده می‌تواند فرهنگ، آداب، ارزش‌ها و می‌تواند گروه‌های اجتماعی باشد. طالبان به عنوان یک گروه و واقعیت اجتماعی دارای کارکرد مشخص است. تقریباً 30 سال، از ظهور طالبان می‌گذرد و به صورت تجربی ثابت شده است که کارکرد طالبان به عنوان یک گروه سیاسی-تروریستی عبارت است از: اعمال خشونت، ترور، زن‌ستیزی، تخریب آثار باستانی-تاریخی، سرکوب شهروندان افغانستان، مخالفت با دانشگاه، مکتب، رسانه، آموزش، حقوق بشر، هنر، آزادی‌های مدنی، آزادی بیان، حقوق زنان، مشارکت سیاسی، انتخابات و پلورالیسم سیاسی، مذهبی و اجتماعی.

کارکرد یک پدیده، در حقیقت جوهر وجودی و موجودیت آن را به اثبات می‌سازد. طالبان اگر خشونت و ستیزه‌جویی نکند در حقیقت، دیگر طالب نیست. خشونت و ستیزه‌جویی جزء سرشت طالبان است. این گروه بدون اعمال خشونت و شکنجه نمی‌تواند وجود داشته باشد. بنابراین خشونت و شکنجه‌ی را که طالبان در برابر زندانیان و توقیف‌شده‌ها اجرا می‌کند، جزئی از سرشت این گروه می‌باشد. طالبی که شهروندان را مورد خشونت، تحقیر، توهین و شکنجه قرار ندهد، آن طالبان نیست.

طالبان خودشان، به صورت بسیار واضح به این پی‌برده‌اند که بدون خشونت و ستیزه‌جویی بقاء نمی‌کنند. زیرا آنان، دیگر چیزی برای ارائه کردن به جامعه ندارند. طالب که از کوه پایین شده و اکنون در پشت میز اداری قرار گرفته است، او چه

گونه باید کارمندان و زیر دستان را مدیریت و مهار کند؟ بدون شک از طریق خشونت و کلاشینکوف که در کنار خود می‌گذارد.

## طالبان و مشروعیت محاکمه‌کردن شهروان افغانستان

یکی از سوال‌های مهم این است که آیا طالبان مشروعیت دارد که بر مسند قضاوت و محاکمه تکیه بزنند. اگر چند طالبان خود را گروه غالب و فاتح قلمداد می‌کنند و مدعی اند که یکی از راه‌های مشروعیت غلبه می‌باشد. این استدلال را عبدالحکیم حقانی قاضی القضاات طالبان در کتاب «الامارت الاسلامیه و نظامها» بیان داشته است. استدلال طالبان این است که با زور و غلبه حکومت جمهوری را ساقط و اکنون حق فرمانروایی و حکمرانی را دارند. اما در جهان امروز، غلبه از طریق زور و فعالیت‌های تروریستی مشروعیت بخش نیست.

در این قسمت به دیدگاه ماکس وبر، یکی از جامعه‌شناسان مراجعه می‌کنم. ماکس وبر، در یک برداشت توصیفی از مشروعیت، مشروعیت و قانونیت را یکی فرض کرده است. در نگاه وی، آنچه به قوانین یک جامعه مشروعیت می‌بخشد، همانا باور و عقاید همگان و یا اکثر افراد جامعه در یک زمان و مکان معین به این امر است که آن قوانین مطابق با مجموعه‌ای از رویه‌های قانون‌گذاری به تصویب رسیده اند. رایج‌ترین شکل مشروعیت، اعتقاد به قانونی بودن است؛ یعنی آمادگی برای سازگاری با قواعدی که رسماً صحت دارند و با روش‌های قبول شده‌ای اعمال می‌شوند. اعتقاد به قانونی بودن یک نظام مبتنی بر توافق اختیاری، اعتقادی نسبتاً قدیمی است و در میان مردم به اصطلاح بدوی هم یافت شده است. مطابق برداشت وبر از مشروعیت قانون، می‌توان چنین گفت که درجه اعتبار یک نظم اجتماعی به میزان باور و اعتقاد افراد آن نظم وابسته است. به دیگر سخن، درجه تمایل مردم به یک نظم حقوقی، مشروعیت آن نظم و درجه این مشروعیت را تعیین می‌کند (احمدی، 1392: 78).

این دیدگاه وبر جهان شمول است. در جهان امروز قوانین و تنفیذ کننده‌های قانون باید بر اساس رضایت شهروندان بوجود آمده باشند. این رضایت از طریق انتخابات و رای آزاد شهروندان به دست می‌آید. حضور طالبان در افغانستان هیچ یک از مولفه‌های مشروعیت را دار نمی‌باشد. انتخابات و دموکراسی از نظر طالبان حرام است. قوانینی را که اکنون در افغانستان آنان مدعی اعمال آن است در ابهام مطلق قرار دارند. تعداد کثیری از شهروندان افغانستان که شامل اسماعلیه‌ها و شیعیان اثنا عشری می‌شوند در نظام فقهی طالبان هیچ‌گونه حقوق ندارند. سرنوشت سیکه‌ها، هندو باوران، یهودی‌ها، مسیحی‌ها و ... به انقراض اجتماعی کشیده است.

بر این اساس طالبان، از مشروعیت برخوردار نیستند و دستگیری و توقیف‌های طالبان همه خلاف قانون و به زور اسلحه می‌باشند.

## طالبان و تدوین کردن قانون

اکنون در افغانستان هیچ قانون و مقرره‌ای مبتنی بر رضایت شهروندان و قرارداد اجتماعی وجود ندارد. طالبان تمامی قوانین را که در عصر حکومت جمهوری اسلامی افغانستان تدوین و تصویب شده بود لغو و خود طالبان نیز کدام قانون مشخص را در اختیار شهروندان قرار نداده است. همچنان طالبان اداره سارنوالی را نیز از تشکیلات حذف کرده است. البته باید یادآور شد؛ در صورتی هم اگر طالبان قوانینی را تدوین کند آن قوانین مشروعیت ندارند، زیرا موجودیت این گروه بر اساس رای و اراده آزاد مردم افغانستان نیست.

در این قسمت، در مورد قانون و مشروعیت آن، دیدگاه ژان ژاک روسو مطرح می‌شود. روسو می‌گوید: برای تامین عدالت، قوانین و مقررات لازم است. در قانون، عمومیت اراده و عمومیت موضوع هر دو جمع است. اگر یک نفر از طرف خود امری بدهد قانون نیست، آن یک نفر هر کسی می‌خواهد باشد. حتی آنچه را هیئت حاکمه راجع به موضوعی معینی امر دهد قانون نیست (روسو، 1341: ص 76).

نگاه روسو به قانون، این است که قانون باید عمومیت داشته باشد و بر اساس اراده عموم تدوین شده باشد، تا اینکه عدالت و برابری در میان شهروندان تامین گردد. در مورد وضعیت که اکنون در افغانستان وجود دارد، تمام رفتارهایی را که طالبان انجام می‌دهد در حالت فقدان قانون اجرا می‌شود. بر اساس نظریه روسو، فرمان‌های طالبان قانون نیستند، زیرا ملا هبت الله یک فردی است که بر اساس خواست مردم به قدرت نرسیده؛ بل، از طریق ترور، انتحار و با حمایت کشورهای تروریست‌پرور قدرت را در اختیار گرفته است.

از سوی دیگر طالبان صلاحیت وضع قانون را ندارد، زیرا طالبان یک گروهی است که نماینده‌گی از مردم نمی‌کند. شهروندان افغانستان متشکل از اقوام و مذاهب مختلف است که هر کدام برای خود نظام فقهی و ارزش‌های خاص دارند. با توجه به ساختار فرهنگی و جمعیتی افغانستان، قوانین در این کشور باید براساس قرارداد و پیمان اجتماعی همه شمول باشد.

## یافته‌های تحقیق

در این بخش که در واقع موضوع تحقیق را شکل می‌دهد، تجربه افرادی شریک می‌شود که در زندان‌های طالبان بودند. این اطلاعات از طریق صحبت با افراد که از بازداشت طالبان آزاد شده‌اند به دست آمده است. قابل تذکر است، اسم‌های افراد در این‌جا همگی مستعار می‌باشند، به دلیل تهدیدات امنیتی هیچ‌کسی حاضر نیست با اسم واقعی‌اش صحبت نماید. مصاحبه شونده‌گان ابراز داشتند که طالبان از آنان کتبی و شفاهی تعهد گرفته است که در مورد آنچه در زندان و توقیف‌گاه‌ها واقع شده با رسانه‌ها شریک نسازند در صورت عمل بر خلاف تعهد، پی‌گرد سخت‌تری در انتظارشان خواهد بود.

**قادر رحیمی، باشنده ولایت بغلان که در زمان جمهوریت در یکی از ارگان نظامی اجرای وظیفه می‌کرد، از جمله افرادی است که تجربه بازداشت توسط طالبان را دارد.**

قادر می‌گوید: «در زمان سقوط دولت من در رخصتی بودم. وقتی که طالبان افغانستان را گرفت دیگر به ارگان نرفتم. چون خبرداشتم که طالبان نظامیان پیشین را شامل نمی‌کنند. و به کارهای شخصی مصروف شدم». به گفته قادر طالبان از طریق یکی از همکاران اش شماره تلفون وی را پیدا می‌کند و همایش به تماس می‌شود. از او می‌خواهد که به کابل بیاید در صوت که نیاید از طریق ولایت و ولسوالی احضار می‌شود.

قادر افزود «بعد از تماس طالبان با موی سفیدان محل مصلحت کردم همه موی سفیدان گفتند که برو کابل مشکل نیست. من هم آمدم کابل و به ارگان رفتم. پیش قوماندان رفق خود را معرفی کردم. قوماندان برایم گنت اسلحه و پول دولت را آوری یا نه؟ گفتم پیش من اسلحه و پول نیست، در وقت سقوط دولت به رخصتی بودم هیچ حضری ندارم. پارچه رخصت دارم». قادر می‌گوید، قوماندان طالبان، اصلاً به حرف‌های وی توجه نمی‌کند، فقط پول و اسلحه می‌خواهد. بعد از استدلال زیاد دو تن از عساکر طالب را دستور می‌دهد که وی را به نظارت خانه ببرد.

قادر افزود «هرچه، عذر کردم که باقیداری از دولت ندارم، قوماندان قبول نکرد. مرا به نظارت‌خانه برد. چند روز بعد یک طالب آمد با یک ورق کاغذ که پیش من دو میل کلاشینکوف، یک قبضه تفنگچه و یک لگ افغانی پول نقد موجود است. وقتی کاغذ را دیدم قسم خوردم در اختیار من هیچ چیزی نیست. طالب قبول نکرد با سیلی و لگد مرا بسیار لت و کوب کرد و بیرون شد».

قادر می‌گوید «وقتی دیدم طالبان مرا آزاد نمی‌کند، تصمیم گرفتم که با موی سفیدان محل تماس بگیرم. در ملاقات با فامیل خود گفتم موی سفیدان محل را در جریان بگذارید، تا بیاید پیش طالبان، شاید آزاد شوم. وقتی موی سفیدان آمدند طالبان قبول نکردند. فامیل‌ام مجبور شد؛ یک قبضه تفنگچه را به قیمت 30 هزار افغانی خرید و برای طالبان آورد تا اینکه تحت ضمانت آزاد شدم».

**حسین علوی که شغلش دوکانداری و در شهر کابل زندگی می‌کند. اظهار داشت که بعد از شش ماه از تسلط طالبان بر افغانستان توسط پولیس طالبان دستگیر گردیده است. جرم را که طالبان برای وی تعریف کرده همکاری با علیپور و تبلیغات برضد طالبان بوده است.**

حسین می‌گوید «ساعت 8 شب در خانه ام (واقع دشت برچی) با فامیل مشغول غذا خوری بودم که سروصدای نفر و صدای موتر از کوچه آمد. بعد از چند دقیقه متوجه شدم که نفرها در پیش‌خانه من هستند. من از اطاق، داخل حولی بیرون شدم و صدا کردم، کی است؟ از بیرون حولی صدا کردند، دروازه را باز کن از حوزه است. من گفتم از حوزه در این وقت شب چه خبر است؟ یکی از طالبان صدا کرد، لوچک بی‌ناموس دروازه را باز کن که خانه را سرت چپه می‌کنم. در وازه را باز کردم قبل از همه با سیلی به صورتم زد. داخل حولی شد و اطاق‌ها را تلاشی کرد و مرا دست‌بند زد و به حوزه سیزده برد»

حسین می‌گوید: «در بین راه، عساکر طالبان همیشه دشنام می‌دادند و تهدید به قتل می‌کردند. وقتی به حوزه رسیدیم بدون اینکه سوال و پرسش کند هر کس از هر طرف با مشت و لگد می‌زدند».

وی افزود «وقتی داخل شعبه آمر حوزه شدم او با سیلی زد و به شدت دشنام ناموسی داد. آمر حوزه برایم گفت: علی‌پور کجا است که می‌خواهد بر علیه امارت جنگ کند؟ ما رهبرای تان را فراری دادیم، تو و علی‌پور می‌خواهید جنگ کنید؟» به گفته حسین، شب که در حوزه سپری شد همانند جهنم بود.

صبح آن شب، حسین به بازداشتگاه وزارت امور داخله منتقل می‌شود؛ در وزارت داخله نیز تنها چیزی قابل مشاهده؛ خشونت، دشنام، تحقیر و توهین بوده است. به گفته حسین، در حدود 20 تن به اصطلاح مجرم در داخل بازداشتگاه حضور داشتند و اکثریت به گناهشان پی‌نبرده بودند که به چه جرم دستگیر و توقیف شده‌اند. اما افراد طالبان هر چند ساعت، یکبار داخل بازداشتگاه می‌گردیدند و افراد را لت و کوب و دشنام می‌دادند. حسین به مدت دو هفته بی‌سرنوشت باقی می‌ماند، بعد از دو هفته برای بازجویی فراخوانده می‌شود.

وی می‌گوید «بعد از دو هفته، یک روز صبح، یکی از سربازان طالب آمد صدا زد؛ نفر علی‌پور کجایی؟ اما، من صدای خود را نکشیدم. طالب داخل شد، بالای سرم آمد با لگد زد و گفت: حالا پشیمان شدی که جواب نمی‌دهی؟ بلند شو که کار ات را یک طرفه کنم. همراهی طالب از بازداشتگاه حرکت کردم مرا داخل یک شعبه برد که آنجا سه نفر افراد طالبان حضور داشتند. سوال کرد، علی‌پور کجا است؟ من گفتم از علی‌پور خبر ندارد. یکی از طالبان از جایش بلند شد با لگد زد. گفت حالا علی‌پور را پیدا می‌کنم که کجا است. دو نفر دیگر هم بلند شد با مشت و لگد تا توان داشتند زدند. دشنام زن و مادر دادند».

اما طالبان هر قدر که حسین را لت و کوب می‌کنند سرخی از ارتباط وی با علی‌پور به دست نمی‌آورد. دلیل طالبان مبنی بر ارتباط حسین با علی‌پور این بوده که یکی از منابع مردمی برای طالبان خبر داده بوده و از سوی دیگر حسین باشنده اصلی ولسوالی بهسود ولایت میدان می‌باشد.

در مدت که حسین در وزارت داخله بوده، هیچ ارتباط با اعضای خانواده‌اش نداشته. بعد از چند هفته حسین را به زندان پلچرخی انتقال می‌دهد. وقتی در پلچرخی منتقل می‌شود خانواده حسین از سرنوشت وی مطلع می‌گردد.

به گفته وی، زندانیان در زندان پلچرخی به هیچ‌گونه خدمات بهداشتی دسترسی ندارند. تمام زندانیان به جرم‌های ساختگی و بی‌سرنوشتی در قید اند.

حسین می‌گوید «یک شب حدود ساعت 11 بجه، یکی از افراد طالبان آمد مرا از اطاق بیرون کرد. در یک سالون کلان برد بدون اینکه سوال و جوابی کنند با کیبل و و پیپ مورد لت و کوب قرار دادند. بعد از ختم لت و کوب برایم گفت: وقتی داخل اطاق رفتی با هم‌اطاقی‌های خود نگوئی که لت خوردی. اگر گفتی باز لت می‌کنم».

حسین بعد از شش ماه، بی‌سرنوشتی و شکنجه در بازداشتگاه‌های طالبان، با میانجی‌گری موی سفیدان و اقوام‌اش آزاد می‌شود. وی می‌گوید «در مدت که در زندان بودم تحقیق و بررسی نبود. دوسیه، سارنوال، قاضی و محکمه وجود نداشت».

برخورد ظالمانه طالبان، همواره در رسانه‌ها نشر شده است. مجازات و لت و کوب طالبان ریشه در کارکرد این گروه دارد. طالبان، به این تصور است که با خشونت و لت و کوب می‌تواند شهروندان را در ارعاب و ترس قرار دهد و عمر سلطه‌شان بر افغانستان طولانی شود.

زلمی وطن‌یار، باشنده اصلی ولایت میدان که اکنون در ناحیه پنجم شهر کابل زندگی می‌کند نیز تجربه توقیف و بازداشت توسط طالبان را دارد. وی که در حکومت جمهوری در شرکت‌های خصوصی امنیتی اجرای وظیفه می‌نموده اما اکنون بیکار است.

او در اوایل سقوط دولت جمهوری به صورت قاچاقی پاکستان می‌رود. اما بعد از چهار ماه، به دلیل بیکاری و فشار که حکومت پاکستان بر مهاجرین فاقد مدارک اعمال می‌کرده به کشور برمی‌گردد. تصور وی این بوده که طالبان عفو عمومی اعلان نموده؛ شاید به کسی مزاحمت ایجاد نکند.



او بعد از آمدن از پاکستان در حدود یک ماه، فارغ از هر گونه ترس و هراس در کنار فامیل و فرزندان اش زندگی می‌کند. تنها نگرانی زلمی بیکاری و بی‌پولی بوده که گاهی شب‌ها خواب از چشمان وی می‌ریخته. اما زندان و شکنجه طالبان، هیچ‌گاهی در مخیله وی خطور نکرده بود.

زلمی می‌گوید «یک روز رفته کوتاه سنگی پیش دوستان خود که یگان کار پیدا کنم. ساعت 3 بعد از چاشت خانه آمدم. خانم گفت، امروز از حوزه پنج نفر آمده بود و سراغ ات را گرفت». شب برای زلمی سپری می‌شود؛ اما فردا سرنوشت وی برخلاف تصورش، رقم می‌خورد. فردا او در دست طالبان قرار می‌گیرد، با اتهاماتی روبرو می‌شود که او را غافلگیر می‌کند.

وی می‌گوید «حوالی ساعت 9 بجه صبح، دروازه حویلی تکتک شد. از خانه بیرون شدم که یک تن از افراد مسلح طالبان جلو دروازه ایستاده. بعد از احوال‌پرسی سوال کرد شما (فلانی هستید)؟ گفتم بلی. طالب گفت: تا حوزه بیا کسی بالایت عریضه کرده. گفتم: من با کسی جنجال ندارم. اما طالب گفت: این گپ‌ها را در حوزه بگوی». به گفته زلمی، عسکر طالب که برای بردن وی آمده بود، با زلمی برخورد محترمانه می‌کند.

زلمی افزود «اگر چند هراس داشتم اما رفته حوزه پنج، مستقیم پیش آمر حوزه رفتم. برایم گفت: زلمی خان! ما شنیده ایم که خودت قبلاً نظامی بودی، اسلحه و مهمات در اختیارت است. اکنون امارت اسلامی آماده و قانون است. اسلحه و مهمات را بیار به دولت تسلیم کن. برایش گفتم: من قبلاً در (فلان شرکت خصوصی امنیتی) کار می‌کردم. اما اسلحه و مهمات در اختیار من نیست». به گفته زلمی، گوش آمر حوزه به این سخنان بدھکار نبود. او چیزی را که در ذهن داشت باید از زلمی حصول می‌کرد.

زلمی می‌گوید «بعد از سپری شدن چند ساعت، به آمر حوزه گفتم: قاری صاحب من که عرض خود را کردم، اگر کدام مشکلی نیست خانه بروم. ناگهان آمر حوزه عصبانی شد جیغ زد، او خائن دزد! اسلحه و مهمات دولت را بیار، به هر گوری که میری برو. در غیر آن روی خانه را نمی‌بینی».

وی می‌گوید «بعد از رسمیات تعدادی از پرسونل حوزه جمع شدند. در شعبه آمر حوزه محکمه صحرایی تشکیل دادند. اول با سیلی و مشت و لگد زدند. بعد با چوب و پیپ شروع کردند. فریاد می‌زدند که اسلحه می‌آوری یا خودت را اسلحه جور کنیم. در حدود یک ساعت آن‌ها مرا لت و کوب کرد. بعد از لت و کوب به نظارت خانه حوزه برد».

زلمی در نظارت خانه حوزه، چهار شبانه روز بی‌سرنوشت می‌ماند. روز چهارم، بازهم آمر حوزه وی را در شعبه‌اش محکمه و مجازات می‌کند.

وی می‌گوید «روز چهارم که به شعبه آمر حوزه رفتم. وی صدادزد، امروز باید اعتراف کنی که چه تعداد اسلحه در اختیارت قرار دارد. من به گپ‌های قبلی تاکید کردم. اما افراد داخل شعبه با کیبل بالايم حمله کردند».

اما زلمی بعد از یک هفته مجازات توسط طالبان، با وساطت موی سفیدان و پرداخت رشوه به حوزه پنج طالبان آزاد می‌شود. در این مورد زلمی می‌گوید «وقتی پدرم خیر شد که من دستگیر شده‌ام. فوراً به موی سفیدان مراجعه می‌کنم. یک کسی را پیدا می‌کنم که با آمر حوزه ارتباط داشته. ارتباطی آمر حوزه، در بدل یک مقدار پول به توافق می‌رسد که من از حوزه آزاد شوم».

به گفته وی افراد زیادی به دام دسیسه طالبان گرفتار می‌شوند. از نظر زلمی، طالبان از این طریق، هم به پول می‌رسند و هم مخالفان‌شان را تهدید و سرکوب می‌کنند.

باج‌گیری از شهروندان و افراد که از نظر طالبان متهم هستند؛ به یک رویه بسیار معمول در بین طالبان تبدیل شده است. به صورت نمونه، به تاریخ (1401/11/7) مولوی شیر احمد اسپری و قاری برهان‌الدین منہاج به ترتیب ولسوال و آمر استخبارات طالبان در ولسوالی لعل و سرچنگل ولایت غور و تعدادی دیگری از طالبان؛ به جرم اخاذی، اختلاس و فساد اخلاقی افشا گردید. مقامات طالبان مجبور شدند به خاطر پنهان کردن رسوایی‌شان آنان را تبدیل کنند.

سرنوشت زنان که در دست طالبان اسیر اند نیز بهتر از مردان نیست. در اینجا در مورد سرنوشت دختری صحبت می‌شود که اتهام وی فساد اخلاقی و زنا است. در مورد سرنوشت این دختر، با محمد برادر وی که به دنبال دوسیه خواهرش می‌باشد صحبت شده است. اما وی علاوه بر این‌که، از گرفتن اسمش اباورزید حتی تقاضا کرده است که ولایت و ولسوالی نیز مشخص نشود.

محمد می‌گوید خواهرش بیشتر از یک سال است که به اتهام زنا در یکی از ولایت‌های افغانستان تحت نظارت طالبان قرار دارد. طالبان وی را زندانی نکرده است؛ اما خانواده‌اش را مجبور ساخته که در مرکز ولایت برایش یک خانه بگیرد، او حق ندارد که از مرکز به ولسوالی که خانه‌اش است برود.

این دختر در یک اطاق کرایه زندگی می‌کند. به خاطر که وی تنها می‌باشد یک خواهرش نیز همراهی او به سر می‌برد. ماهانه، خانواده او باید کرایه اطاق و مصارف خوراک این دختران را فراهم کند. در شرایطی که اکنون مردم زندگی می‌کند، فراهم کردن مصارف دو نفر برای خانواده‌های بی‌بضاعت دشوار است.

محمد می‌گوید «از یک سال به این طرف که خواهرم پیش طالبان نظر بند است، از کار و زندگی مانده‌ام. طالبان بعضی محکمه‌ها را به قندهار انتقال داده است. من چندین بار برای آزادی خواهرم به قندهار رفته‌ام. اما تا هنوز موفق نشدم که برایش کاری انجام دهم».

وی می‌گوید «فعالاً وکیل‌های مدافع هم هیچ‌کاری نمی‌توانند. اکثر وکیل‌های مدافع را که قبلاً می‌شناختم، وقتی به آن‌ها مراجعه می‌کنم. می‌گویند ما قوانین طالبان را بلد نیستیم». به گفته وی، اکنون وضعیت در محاکم طالبان به گونه‌ای است که هیچ نظم وجود ندارد. مدعی و مدعی‌علیه نمی‌دانند برای دفاع از حق‌شان چه کار کنند. از سوی دیگر، متهمان نمی‌فهمند که حقوق آن‌ها به عنوان متهم چه می‌باشد.

محمد می‌گوید «از نظر فقه تشیع اثبات کردن زنا بسیار دشوار است. اما نمی‌دانم که طالبان کدام حکم را بالای خواهرم اجرا می‌کند. من فقط دچار بی‌سرنوشتی و سردرگمی هستم. وقتی به علمای اهل تشیع مراجعه می‌کنم، آنان می‌گویند ما نمی‌توانیم همکاری کنیم و مشورت داده نمی‌توانیم». از سوی دیگر طالبان برای محمد گفته است که حق نداری وکیل مدافع بگیری باید خودت قضیه را دنبال نمایی.

اکثر افراد که با محکمه‌های طالبان سروکار دارند، دچار همین سرگردانی اند و تمام دعوی‌ها و قضایای حقوقی و جنایی در فقدان قوانین مشخص به پیش می‌روند. اما طالبان قوانین گنگ و مبهمی را که در اختیار دارد با زور اسلحه و تهدید تطبیق می‌کند.

**جمال شریفی محصل در یکی از دانشگاه‌های دولتی نیز تجربه توقیف توسط طالبان را دارد. وی در حدود سه ماه قبل در جریان عکس‌برداری، توسط افراد مسلح طالبان در حوزه 18 شهر کابل دستگیر گردید.**

جمال می‌گوید «پنج ماه قبل، یک روز از دانشگاه برگشتم، در دشت برچی دیدم که طالبان مردم را لت و کوب می‌کنند بدون اینکه کدام تصمیم تبلیغاتی داشته باشم، از این صحنه عکس گرفتم. اما افراد طالبان متوجه شدند، بالایم حمله کردند. تلفون ام را گرفت مرا مورد لت و کوب قرار داد و با خود به حوزه بردند».

به گفته جمال وقتی وی به محوطه حوزه می‌رسد، هر عسکر طالب که در مورد عکس‌گرفتن او از طالبان مطلع می‌شود وی را با سیلی می‌زند.

جمال می‌گوید «وقتی داخل اطاق امر حوزه شدم مرا در وسط اطاق نشانند. در اولین برخورد، امر حوزه چند سیلی محکم به صورتم زد. سوال کرد چه کاره هستی که از مجاهدین ویدیو و عکس می‌گیری؟ گفتم محصل هستم، کارت دانشگاه را نشان دادم. اما، او به محصل و کارت دانشگاه احترام نکرد. هرچه، دشنام ناموسی و مذهبی بود برایم دادند. به حدی توهین و تحقیر کرد که هیچ تصور نمی‌کردم در کشور خود این گونه مورد شکنجه و تهدید و توهین قرار بگیرم».

به گفته وی، طالبان به حریم خصوصی افراد احترام ندارد. تلفون را باز می‌کند تمام عکس‌ها و پیام‌های شخصی را می‌بیند. بعضی عکس‌هایی که در فضای مجازی در مورد طالبان نشر شده بوده در گالری تلفون جمال موجود بودند. امر حوزه به جرم موجودیت این عکس‌ها نیز وی را لت و کوب می‌کند. توضیحات جمال در مورد اینکه، این عکس‌ها در فضای مجازی پخش و نشر شده است، برای امر حوزه مورد قبول قرار نمی‌گیرد.

جمال می‌گوید «امر حوزه تفنگچه خود را به پیشانی ام گذاشت، گفت؛ او خبیث نجس من اگر بخواهم همین لحظه تو را می‌کشم. اما بفهم که امارت اسلامی چقدر مهربان است که تو خبیث را نمی‌کشد. تو در تلفونات بدگویی امارت را ذخیره می‌کنی».

جمال افزود «یک تن از طالبان که در حدود 60 سال سن داشت، داخل شعبه آمد، از آمر حوزه پرسید؛ این چه کار کرده است. آمر حوزه گفت: از جریان وظیفه مجاهدین ویدیو گرفته و در واتسپ به امیرالمومنین توهین کرده. طالب 60 ساله گفت: اجازه بده که این مردار کافر را یک مرمی به دهنش بزنم تا دیگرانشان بفهمند که توهین کردن به امیرالمومنین آسان نیست».

جمال می‌گوید «هر کسی که داخل شعبه می‌شد، مرا با مشت، لگد و سیلی می‌زد. اما چیزی که بسیار برایم درد آور بود دشنام ناموسی و توهین مذهبی بود». جمال از ساعت 11 بجه قبل از ظهر تا 5 بعد از ظهر در اسارت طالبان می‌ماند.

وی می‌گوید «چند تن از طالبان آمدند، گفتند: لباس‌های خود را بکش. اما یکی‌شان گفت: نیاز نیست. هر دوپایم را با ریسمان بستند و دو نفر بلند گرفت، دیگران از نوبت با چوب و پیپ می‌زدند. به حدی زدند که از حال رفته دیگر توان داد و فریاد را نداشتم».

اما جمال بدون اینکه کارش به موی سفید کشیده شود؛ با دادن یک ورق تعهدنامه از حوز طالبان آزاد می‌شود. جمال می‌گوید افراد زیادی چون وی، به دام طالبان می‌افتند اما هیچ‌کسی از ترس تعقیب و بازداشت مجدد، صدای خود را بلند نمی‌کند.

**علی رها، وکیل مدافع، از حدود 8 سال به این سو در شهر کابل دارالوکاله دارد. قضایای حقوقی و جنایی را بررسی و تعقیب می‌کند.**

علی می‌گوید: «فعالاً در محاکم طالبان هیچ قانون وجود ندارد. طالبان قوانین قبلی را ملغاً اعلان کرده و قوانین جدید نیز وجود ندارد. بعضی جزو‌ها را بیرون داده اما بسیار ناقص است. مخصوصاً، در بخش‌های جنایی مشکلات بسیار زیاد است. متهم هیچ‌نوع دسترسی به قانون ندارد. وکلای مدافع نیز کاری نمی‌تواند چون چندین کتاب حدیث و فقه وجود دارد که بسیار پراکنده می‌باشند».

به باور این وکیل مدافع، طالبان در برابر قضایای جنایی و کسانی را که خودشان به جرم مخالفت با طالبان دستگیر می‌کنند؛ بیش از آن که در پرتو قانون اجراءات کنند، مجازات و لت و کوب می‌کنند. به گفته وی در اکثر موارد طالبان خواست‌های‌شان را به متهمین از طریق اعمال فشار و خشونت تحمیل می‌کند.

وی افزود، از زندان‌ها و بازداشت‌گاه‌های طالبان هیچ نوع نظارت وجود ندارد. قبلاً در زمان جمهوریت، کمیسیون حقوق بشر همیشه از زندان‌ها نظارت می‌کرد و کوشش می‌شد که موارد نقض حقوق بشر مورد پیگیری قرارگیرد. اما در زندان‌های طالبان، مسائل حقوق بشری کاملاً فراموش شده است. طالبان به صورت مطلق آزاد اند که هر قسم برخوردی را با زندانیان انجام دهند. هیچ متهم و مجرم، حق ندارد که صدای خود را بلند و نسبت به نقض حقوق بشری‌اش اعتراض کند. تمام تلاش متهمین این است که از زندان طالبان زنده بیرون شوند. اگر یک بررسی دقیق و همه جانبه صورت گیرد صد در صد حقوق بشری زندانیان توسط طالبان نقض می‌شود.

در آخر باید گفت، آنچه که در فرضیه این تحقیق عنوان شده است با یافته‌های کتابخانه‌ای و میدانی همخوانی دارد. نظریه کارکردگرای که به عنوان چارچوب نظری تعیین شده؛ طبق این نظریه، یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده است که خشونت و ستیزه‌جویی یکی از کاردهای عمده گروه طالبان می‌باشد. به سوالات تحقیق، از طریق یافته‌های تحقیق جواب ارائه شده و نشان می‌دهد که طالبان در جریان توقیف کردن افراد، اقدام به خشونت می‌کنند؛ زندانیان به قوانین تدوین شده‌ی مبتنی بر اراده آزاد شهروندان دسترسی ندارند و حقوق بشری افراد به شدت نقض می‌گردد. براساس نظریات علمی دانشمندان علوم انسانی و سنت سیاسی پذیرفته شده در امر حکومت‌داری در جهان امروز، طالبان حق وضع قوانین و محاکمه کردن شهروندان افغانستان را ندارد، زیرا این گروه از مشروعیت برخوردار نیست.

## نتیجه‌گیری

طالبان یک گروه افراطی و خشونت‌گر است؛ با توجه به نظریه کارکردگرای در جامعه‌شناسی، خشونت و ستیزه‌جویی یکی از کارکردهای اساسی گروه طالبان می‌باشد. طالبان اگر خشونت و تندروی نکند به این معنا است که وجود ندارد. در حقیقت موجودیت و حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی طالبان وابسته به میزان خشونت است که این گروه از خود در برابر شهروندان افغانستان به نمایش می‌گذارد. زیرا دیگر چیزی برای عرضه کردن به مردم ندارد که شهروندان از این گروه پیروی کنند.

خشونت طالبان، شامل سپهر عمومی اجتماعی و حوزه نیمه خصوصی اجتماعی (زندان‌ها و بازداشت‌گاه‌ها) می‌شود. آنان در حوزه عمومی به هدف سرکوب شهروندان و جلوگیری از اعتراضات مردمی خشونت می‌کنند. در زندان‌ها و بازداشت‌گاه‌ها به هدف تحمیل خواست‌شان بالای زندانیان، خشونت می‌کنند.

به لحاظ قانونی، طالبان حق پیگرد و بازداشت شهروندان افغانستان را ندارد؛ زیرا این گروه براساس اراده و خواست مردم به حاکمیت نرسیده است. بلکه از طریق زور، انتحار و ترور بر افغانستان مسلط شده است. از سوی دیگر، فرمان‌ها و دستورهای طالبان، نمی‌توانند قانون باشند زیرا این گروه مشروعیت ندارد.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، تمامی کسانی که تجربه زندان و بازداشت در ادارت طالبان را دارند؛ با شکنجه، توهین، اذیت و آزار روبرو شده‌اند. در بعضی موارد طالبان از افراد متهم زورگیری و اخاذی کرده‌اند. افراد متهم، در جریان بازداشت به وکیل مدافع دسترسی ندارند. هیچ‌نوع قانون مدون نیز در دسترس متهمان به منظور دفاع از حقوق‌شان نیست. زیرا، طالبان تمام قوانین را لغو و حتا اداره سارنوالی را از تشکیلات اداری حذف کرده است.

طالبان خواست‌شان را بالای متهمان از طریق زور و اعمال فشار در فقدان قانون و وکیل مدافع تطبیق می‌کند. بازداشت طالبان از ابتدای دستگیری و توقیف تا مرحله‌ای آزادی تماماً نقض حقوق بشر است.

براساس یافته‌های تحقیق افراد که از بازداشت آزاد می‌شوند از ترس توقیف مجدد طالبان و تهدیدات امنیتی جرئت نمی‌توانند که تجربه‌شان را با رسانه‌ها شریک سازند.

### **پیشنهادات**

- ملل متحد، سازمان عفو بین الملل و دیگر نهادهای بین المللی حقوق بشری، نظارت مستمر از زندان‌های طالبان داشته باشند.

- اعمال فشار بالای طالبان از طریق نهادهای بین المللی حقوق بشری به دلیل نقض حقوق بشر در زندان و بازداشت‌گاه‌ها.

- ایجاد تسهیلات برای زندانیان به منظور دسترسی به وکیل مدافع به ویژه برای زنان و کودکان.

- مستندسازی و تحقیقات بیشتر در مورد برخورد طالبان در زندان‌ها براساس تجربه افراد که از زندان‌های طالبان آزاد شده‌اند.

- دادخواهی توسط نهادهای مدنی و حقوق بشری افغانستانی که در خارج از کشور به سر می‌برند، به منظور دفاع از حقوق زندانیان و توقیف‌شده‌ها در زندان‌های طالبان.

### **منابع و مأخذ**

1 - احمدی، امید (1392). مشروعیت قانون از دیدگاه اسلام و ماکس وبر. فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره 17، شماره 1، بهار، تهران.

2 - روشه، گی (1375). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی؛ سازمان اجتماعی. ترجمه دکتر هما زنجانی‌زاده، تهران: انتشارات سمت.

3 - روسو، ژان ژاک (1384). قرارداد اجتماعی. ترجمه غلام حسین زیرک‌زاده، تهران: شرکت سهامی چهر.

4 - ریتزر، جورج (1384). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.